

گفت و گو با حسن ناهید نوازنده پیشکسوت سازی به بهانه تجلیل از این هنرمند در سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر

روایت نی و سال ها دلدادگی

گفت‌وگوها: ندا سیجانی
خبرنگار

«۷۷ سال از سمن می گذرد اما پند استاد همچنان در گوشم زمزمه می شود، در سی که از استاد حسن کسایی آموختم این بود که هیچ که خود را دست بالا نگیرم و همیشه و همه حال فکر و حواسم روی کارم باشد و...» سخن از استاد حسن ناهید است، موسیقیدان و نوازنده پیشکسوت و نام آشنای سازی؛ هنرمندی که بادمسیحایی اش براین خشک چوب حکایت‌های بی‌شماری را روایت کرده و توانسته نام خود را در تاریخ موسیقی ایران به ثبت برساند و حال قرار است به پاس بیش از ۶۰ سال تلاش حرفه‌ای او در عرصه موسیقی درسی و ششمین جشنواره موسیقی فجر از مقام هنری این هنرمند تجلیل به عمل آید. حسن ناهید چندی پیش به دلیل بیماری قلبی در بیمارستان بستری شد. این روزها در قرنطینه و مرور خاطرات گذشته بسر می برد، خاطراتی که همیشه در وجودش تازگی دارد و هرگاه به سراغ این مرد بزرگ زاده کویر بروید آنچنان با عبق و لذت از دوران طلایی زندگی هنری اش سخن می گوید که گویا همین چند سال پیش است و...

«من متولد شهر کرمان هستم و در یک خانواده ۶ نفره بزرگ شدم اما به دلیل شغل پدرم که ارتشی بود به شیراز منتقل شدیم و تمام دوران کودکی و تحصیل در دبستان و دبیرستان ما در این شهر سپری شد، آن دوران هیچ وسیله صوتی وجود نداشت و در خانه کمتر کسی رادیو پیدا می شد و دسترسی به رادیو یعنی همان زندگی اشرافی، البته در خانه ما هم یک رادیو بود که هیچ کدام از ما اجازه دست زدن به آن را نداشتیم و تنها همان گهگاهی که پدر رادیو را روشن می کرد می توانستیم صدای موسیقی را بشنویم و این نغمه‌ها از آن دوران آرام آرام در گوشم زمزمه شد و این لحظات کوتاه لذت خوب شنیدن، اشتیاقم را به رادیو و صدای موسیقی بیشتر و بیشتر کرد تا آنجا که روزهای یکشنبه که به یک برنامه خاص موسیقی اختصاص داشت، هنگام بازگشت از مدرسه جلوی در برخی از مغازه‌ها که صدای موسیقی از رادیو آنها به گوش می رسید می ایستادم و از همان دقایق کوتاه لذت می بردم، البته پدرم به خاطر مذهبی بودنش مخالف شدید موسیقی بود؛ بالعکس مادر که یک رفیق تمام عیار بود و... پدر اکثر احوادث ساعت ۴ بعد از ظهر

به خانه بازمی گشت و تا فردای آن روز از منزل خارج نمی شد، از فضای یک روز صبح و زودتر از زمان همیشگی به خانه آمدن و من در حیات مشغول نواختن ساز بودم و نی را در دست من می‌سوال کرد: پسر چه کاری انجام می دهی! گفتم سازی است و در دم سازم را شکست و من هم شروع به گریه کردم تا آنکه مادرم با ناراحتی آمد و گفت چکار به این پسر داری؟! پدر در پاسخ به مادر جواب داد این پسر صدای شیطان در می آورد و از آن روز به بعد متوجه شدم تا زمانی که پدرم در خانه است نباید

کسایی شاگردی داشت به نام آقا رضا بیلیاردی که هم نوازنده و هم سازنده نی بود و در یکی از پاساژهای اصفهان مغازه‌ای داشت و در مغازه دومیز بیلیارد بود و چون استاد علاقه‌مند به این ورزش بود با همراهی او به مغازه رضا بیلیاردی رفتم. استاد به آن آقا اشاره کرد دو تانی به من بدهند و راهنمایی های لازم هم انجام گرفت. ابتدا فکر می کردم برای نواختن این ساز، یک نی کافی است اما بعدها متوجه شدم برای کوک‌های مختلف، نی های متعدد وجود دارد و بعد از آن دیدار فراموش نشدنی این رابطه شاگرد و استادی از طریق نامه‌نگاری با تلفن ادامه داشت تا سال ۱۳۳۸ که در دارو رامسر نفر اول شدم و به مدت دو ماه به کشورهای اروپایی سفر کردم.»

■ نی حدیث پر خون می کند

در میان سازهای موسیقی ایران، کمتر کسی را می توان یافت که با ساختار فیزیکی و نام سازنی آشنایی نداشته باشد و نوای دلنشین آن بر دلش ننشسته باشد، چرا که نی حال و هوای غربی ندارد و به گفته حضرت مولانا «آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد...» نی حدیث راه پر خون می کند، قصه‌های عشق مجنون می کند» حسن ناهید بعد از آن دیدار روزها به شب‌ها به تمرین ساز پرداخت و در خلال آن سال‌ها، فرصتی های دیگری به دست آورد تا به ملاقات استاد کسایی برود و آن طور که تعریف می کند یک زمان هم در سالروز بازگشایی آموزشگاه موسیقی استاد که «نغمه گشایش» نام داشت به دعوت آقای کسایی به اصفهان سفر کرد و در آن روز به یاد ماندنی تابلویی به دستخط استادش هدیه گرفت و همچنین خط به خط آن را از پر است و این هدیه با ارزش را بر دیوار روبه روی سالن پذیرایی اش نصب کرده تا خاطرات آن روزها را همچنان در ذهنش مرور کند.

از او سوال می کنم بعد از این همه علاقه و شیفنگی چرا موسیقی را به صورت آکادمیک در هنرستان ادامه ندادید و او پاسخ می دهد: «دیگر از سن من گذشته بود، چرا که زمان ورود به هنرستان آن گشت ابتدایی است اما خوشبختانه در آن دوران فرصتی پیش آمد تا با مرد نیک سیرتی به نام مهدی کمالیان که استاد سه تار بود آشنا شوم. آقای کمالیان از من سوال کرد نت می دانم پاسخ دادم نه و گفت تو را نزد استادی می برم که کم نظیر است امیدوارم تو را بپذیرد و به خدمت

استاد حسین دهلوی رفتم. روحشان شاد مرد بسیار شریفی بود و در آن سال‌ها بدون آنکه یک دینار از من دریافت کند تئوری موسیقی را به من آموخت، البته این لطف بزرگ را به خاطر آقای کمالیان و به شرط آنکه قول بدهم بازگوشی نکنم و کارم را به صورت جدی انجام بدهم قبول کرد و از آن روز به بعد هفته‌ای یک روز خدمت استاد می رفتم تا مدت ها گذشت و یک روز به من گفت به تالار فارابی برویم. این تالار در پشت ساختمان اداره هنرهای زیبا در خیابان بهارستان قرار داشت و در آنجا ارکسترها تمرین می کردند و آن روز استاد دهلوی من را به استاد نصرت‌الله گلیایگانی معرفی کرد. مرحوم گلیایگانی سرپرست این ارکستر بود و حدود ۲۰ نوازنده داشت که این ارکستر زیر نظر اداره فرهنگ و هنر فعالیت می کرد و اعضای آن از استادان موسیقی زمانه بودند، مانند استادان هوشنگ ظریف، محمد حیدری، محمد اسماعیلی، ایزدی، خانم‌ها افیلیا پرتو، سیمین آقا رضی و... این اولین فعالیت من در ارکستر بود، اما متأسفانه ایشان خیلی زود فوت کردند و بعد از فوتشان سرپرستی ارکستر به آقای مهدی مفتاح رسید، البته آقای مفتاح یک ارکستر دیگر هم در رادیو داشت به نام «درویش» و در این ارکستر استادان بزرگی چون احمد عبیدی، علی اصغر بهاری، روح افزا، سرخوش، اکبر محسنی و... حضور داشتند و من نیز به این ارکستر معرفی شدم...»

■ کایت ارکسترا

حسن ناهید در طول فعالیت هنری اش در ۱۳ ارکستر فعالیت داشته است. ارکسترهایی همچون رودکی، پایور، درویش، فارابی، گل‌ها و... در کنار آن با گروه‌های کوچک موسیقی هم همکاری داشت که همه از بزرگان موسیقی ایران هستند: «آن زمان که در ارکستر درویش فعالیت می کردم به ارکستر دیگری هم رادیو دعوت شدم که استاد روح‌الله خالقی سرپرستی آن را برعهده داشت و ساز من را شنیده بود و خوشبختانه مورد رضایت شان قرار گرفت و نامه‌ای به شورای موسیقی رادیو نوشت با این مضمون که ایشان علاوه بر اینکه نی خوب می نوازند با نت هم آشنایی کامل دارد و این نامه را به شورای ارسال کرد تا تأیید و تصویب آنها در رادیو مشغول به کار شوم. آن زمان دستمزد همه نوازندگان رادیو جلسهای ۷۰

تومان بود و دستمزد من جلسه‌ای ۱۰۰ تومان که به نسبت آن دوره مبلغ بسیاری بود و ۱۰ جلسه آن ۱۰۰۰ تومان می شد که ۵۰۰ تومان آن را برای پدرمادرم می فرستادم و ۵۰۰ تومانش را خرج خودم می کردم.

حسن ناهید به شرایط آن روزها اشاره دارد: «آن دوران در هیچ ارکستری نوازنده نی وجود نداشت حتی در ارکستر آقای دهلوی و من هم سولیست ارکستر بودم و هم نوازنده و هر تنی را که با سازهای دیگر نواخته می شد، اجرا می کردم و باعث تعجب کسانی بود که در ارکستر بودند که چطور یک پسر شهرستانی می تواند به این خوبی نی بنوازد. البته علاوه بر رادیو، در تلویزیون هم فعالیت داشتم و هفته‌ای یک شب به یک کانال تلویزیونی می رفتم و به صورت زنده اجرای برنامه داشتم. ناگفته نماند آن سال‌هایی که در ارکستر «درویش» آقای مفتاح کار می کردم در دو ارکستر دیگر رادیو هم فعالیت داشتم، یکی ارکستر «شاعران قصه می گویند» و دیگر ارکستر برنامه FM رادیو که به تازگی توسط استاد همایون خرم رانده‌ای شده بود که به آن برنامه سوم هم گفته می شد چون برنامه اول رادیویی ایران بود و برنامه دوم تهران. ارکستر دیگری هم بود که آقای اسدالله ملک و منوچهر جهان بیگلر تأسیس کرده بودند به نام «نوابی از موسیقی ملی» که خواننده آن محمودی و شش سوراخ تمامی دستگاه‌های آوازی ایران را اجرا کند اما اجرای این کار با تار و سه تار و دیگر سازها کمی آسان تر است.»

■ اما موسیقی پاپ پیش از جشنواره و طی سال، تجربه اجرای کنسرت آنلاین داشته است آیا عدم حضور این گروه‌ها در جدول هنرمندان بوده است؟

بخشی از گروه‌های حاضر در جدول جشنواره از طریق فراخوان انتخاب شده‌اند. در واقع ۱۰۰ گروه تقاضای اجرای برنامه بودند که از بین آنها گروه‌هایی که به لحاظ کیفیت، اجرای بهتری داشتند توسط هیأت داوران معرفی شدند و بخش دیگری از گروه‌ها نیز توسط هیأت داوران برای اجرا در جشنواره دعوت شده‌اند. اما به طور کلی گروه‌ها از کیفیت خوبی برخوردار هستند چرا که هر دو گروه با نظر و انتخاب هیأت داوران در جدول جشنواره قرار گرفته‌اند. البته گروه‌های دیگری هم مایل به حضور در جشنواره بودند اما محدودیت تعداد روزها و جدول جشنواره مانع از این شد که بتوانیم در خدمت همه گروه‌ها باشیم. درباره حمایت از گروه‌هایی که در جشنواره حضور دارند یا نه می‌شود، اما در خصوص امتیازات خاص اجراهای موسیقی خارج از جشنواره هم باید بگویم دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هماهنگی و همکاری‌های لازم را با بنیاد رودکی دارد و براین اساس حمایت از گروه‌های موسیقی انجام خواهد گرفت.

گردهم می آمدند و قطعاً تجمع در این شرایط به جهت دستور العمل‌های بهداشتی ممکن بود خطر آفرین باشد اما محاسبه ۳۰ درصد در یک سالن سینما و تئاتر بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر می شود. لذا تصمیم بر این شد بخش اجراهای صحنه‌ای بر بستر فضای مجازی انجام شود. لازم به ذکر است ما برای برگزاری جشنواره موسیقی فجر به طور خاص مکانیاتی با ستاد ملی مقابله با کرونا داشتیم و مجوزی که صادر شد حداکثر حضور ۱۰۰ نفر در سالن‌ها بود و طبیعتاً این تعداد افراد برای بخش موسیقی پاپ جشنواره که با حضور گسترده مردم مواجه است، چندان قابل توجه نبود. نکته دیگر اینکه نی تردید با حضور این تعداد اندک افراد، هیجان لازم برای گروه هنری و ارتباط با مردم فراهم نمی شود. اما در خصوص اجرای گونه‌های دیگر جشنواره، طبق آنچه هر سال شاهد بوده‌ایم، این بخش‌ها از جشنواره عمداً با حضور متخصصان آن حوزه‌ها برگزار شده و کمتر عموم افراد شرکت داشته‌اند و استقبال مردم بیشتر از سالن‌های بزرگ با جمعیت فراوان بوده است به همین دلیل طبق نظر جمعی تصمیم بر این شد در این دوره از جشنواره تمامی اجراها به صورت بخش در فضای مجازی صورت بگیرد.

جشنواره به روایت آمار

۴۳ گروه موسیقی در بخش‌های موسیقی دستگاهی، نواحی، کلاسیک، بین الملل، از کسترال و تلفیقی در سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر شرکت دارند. این دوره شاهد ۵۷ اجرا خواهد بود. با توجه به شرایط کرونا و محدودیت‌های حضور مخاطبان در سالن‌های اجرای موسیقی و به جهت همراهی با مصوبات ستاد ملی کرونا، تمامی اجراها ضبط و از طریق سایت‌های جشنواره موسیقی فجر (fajrmusicfestival.com)، انجمن موسیقی ایران (nay.ir) و تیوال (tiwall.com) به عنوان بسترهای بخش مجازی جشنواره معرفی شده‌اند بخش خواهد شد و مخاطبان می توانند بر اساس زمان بندی مشخص شده در جدول، به صورت رایگان اجراهای صحنه‌ای سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر را مشاهده کنند.



این نوازنده پیشکسوت در ارکستر دیگری هم به نام «رودکی» فعالیت داشت که آقای ابراهیم منصوری آن را تأسیس کرده بود و نوازندگان آن از استادان آن زمان بودند، استادانی همچون احمد عبیدی، رضا ورزنده، حبیب‌الله بدیعی، اکبر محسنی و... و کارهای زیبایی با این گروه اجرا و ضبط شده که به گفته او سرنوشت این آثار فاخر معلوم نیست چه شده است!

البته در آن سال‌ها ستاد مرتضی حنانه ارکستری را راه اندازی کرد به نام ارکستر ایرانی که یک سال بعد از افتتاح تلویزیون ملی ایران تأسیس شد؛ سال ۱۳۴۸ با سرپرستی آقای حنانه که در این ارکستر آقایان زرین پنجه، صالحی، زندگانی و پدر آقای چشم آذر و... فعالیت داشتند. در کنار آن با گروه‌های کوچک موسیقی هم همکاری داشت مانند گروه آقای لطیف الله مجد که دو، سه نفر از همین استادان حضور داشتند یا گروه مرحوم فرهنگ شریف. یک برنامه رادیویی هم اجرا می شد به نام «هفت شهر عشق» که خانم فخری نیک زاد گوینده آن بود و سرپرست موسیقی آن بر عهده آقای اکبر محسنی بود.

او سال‌ها بعد با همکاری حسین قوامی به ارکستر گل‌هارا پیدا کرده استاد پیرنیا معرفی شد. در این ارکستر استاد عبدالوهاب شهیدی هم حضور داشت و آشنایی او با این خواننده بزرگ موسیقی ایران در این ارکستر شکل گرفت و تاریخ این دوستی به بیش از ۵۰ سال می رسد و همچنان رفیق گرمابه و گلستان یکدیگر هستند، هنرمندانی از نسل طلایی موسیقی ایران: «آقای شهیدی انسان بسیار شریفی است و جدا از

به تازگی از انگلیس به ایران آمد و نوازندگی و صدای ساز من را بر سرترین ارکستر آقای مفتاح دید و شنیده بود و از کارم خوششان آمد و گفت می خواهم یک ارکستر ایرانی برپا کنم شما هم همکاری داشته باشید و من با اشتیاق و افتخار به این ارکستر رفتم البته قبلاً هم دیگر را می شناختم و در خیابان پاییزی همسایه بودیم اما از نظر کاری آشنایی چندانی به نوع فعالیت شان نداشتم.»

حسن ناهید در آن سال‌ها که استاد حسن کسایی در اصفهان زندگی می کردند و دور از دسترس همگان بودند تنها نوازنده نی در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بود و این توفیق سبب شد با ارکسترها و هنرمندان بسیاری آشنا شود و در مقابل مردم هم بیشتر و بیشتر با ساز او آشنا شوند و ابراز علاقه کنند: «مردم صدای سازنی را بسیار دوست داشتند و حتی به پیشنهاد آقای دهلوی قرار شد در هنرستان موسیقی که ریاست آن را بر عهده داشت تدریس کنم و نزدیک به ۳۰ سال به آموزش موسیقی پرداختم. آقایان حسین علی‌زاده، داریوش طلایی، داریوش دولتشاهی، علی بهری و... همه از شاگردان من هستند و آن زمان که در هنرستان تحصیل می کردند نی ساز دوم آنها بود اما این عزیزان نواختن نی را به طور جدی دنبال نکردند و به ساز اول شان بیشتر علاقه نشان می دادند. البته ناگفته نماند نواختن سازی بسیار مشکل است چرا که باید از یک لوله و شش سوراخ تمامی دستگاه‌های آوازی ایران را اجرا کند اما اجرای این کار با تار و سه تار و دیگر سازها کمی آسان تر است.»



خبر. همان طور که اشاره شد تمامی اجراهای جشنواره از طریق فضای مجازی بخش می شود و براین اساس هر نقطه از کشور می توانند از طریق اینترنت شاهد اجراهای جشنواره باشند بنابراین عملاً جشنواره شاخه‌های استانی نخواهد داشت و به صورت ملی بخش خواهد شد چون جشنواره در استان‌ها اجرا ندارد، ضرورتی به استفاده از

گروه‌های بخش موسیقی نواحی:

۱ «ایستیم» از خراسان با هنرمندی مهرداد باغچی و شاهین علیزاده، گروه «آواری اصلاص کتول» از گلستان با هنرمندی علی اصلاصی کتولی، گروه موسیقی «دالاهو» از کرمانشاه با هنرمندی هوشنگ امیران، گروه «هاوا» از کردستان با

گروه‌های بخش موسیقی دستگاهی:

۲ «سپندار» با هنرمندانی چون حسین علیشاپورنویید توسلی، گروه «به یادستاد» مظفر شفیعی و حسام اینانلو، گروه موسیقی «اقبال آذر» با سرپرستی سبحان مهدی‌پور، گروه «ژاوا» به هنرمندی امیر ناصر رنجبر و نوید نوروزی، گروه «هنوزان فاخته» به سرپرستی خشیایار پارسا، گروه موسیقی